

«بِسْمِ نَامِ خَالِقِ آرامش»

نام کتاب: علم جفر

نام نویسنده: \_\_\_\_\_

تعداد صفحات: ۴ صفحه

تاریخ انتشار: \_\_\_\_\_



کافئین بوکلی

CaffeineBookly.com



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## علم جفر

جفر در واقع به معنی پوست بزغاله ای است که وسیع باشد و چیزهای زیادی را در خود جا میدهد و علم جفر بر اساس برخی روایات به این نحوه بوده که کتابیرا جبرائیل به خدمت حضرت محمد(صلوات الله علیه واله) آوردند که تمامی علم عالم از اول خلقت تا به آخر انرا توضیح داده بود که این کتاب جفر نام داشت و روزی یکی از صحابه پیغمبر کتاب را از ایشان عرض کردند و به بیابانی رفتند تا مطالعه کنند ولی در هنگام باز گشت طوفان شدیدی میگیرد که چندین برگ از کتاب را با خود میبرد صحابه نیز شرمگین نزد رسول خدا آمده و ماجرا را شرح میدهند رسول خدا به همراه صحابی به بیابان رفته و چندین برگ از آن کتاب را پیدا میکنند ولی یک برگه از آن کتاب مفغود باقی میماند و این علم جفری که تا کنون در سراسر دنیا منتشر شده از همان یک ورق بوده که خدا میداند دست که افتاده بوده ولی کتاب اصل آن در حال حاضر در نزد حضرت(حجت عج الله تعالی فرجه الشریف) است ولی باید دانست که تا آقا امام زمان به کسی نظر نداشته باشد محال است کسی بتواند به آن(جفر) دسترسی داشته باشد.

علم جفر علمی است که به وسیله حروف و یک سری فرمولها می توان به تمامی سوالات پاسخ داد.

## علم رمل

[ ر ] [ ع ] نام علمی است پیدا کرده دانیال علیه السلام بدان جهت که جبرئیل علیه السلام بر ریگ نقطه‌های چند کرده بود. (آندراج). علمی است پیدا کرده دانیال پیغمبر علیه السلام که جبرئیل علیه السلام آن رانقطه‌های چند بنموده و گویند علمی است که در آن از اشکال شانزده گانه بحث میشود و نتیجه آن استعمال از مجهولات احوال عالم است و موضوع آن اشکال شانزده گانه و هدف آن وقوف بر احوال عالم است و صاحب این علم را رمال گویند. (از کشف اصطلاحات الفنون). و صاحب نفائس الفنون آرد: علم رمل عبارت است از معرفت طرق استدلال بروقاع خیر و شر از اشکال مخصوصه و کیفیت استخراج و دلالات آن. آنچه در این قسم دانستن آن اهم باشد بیان کنیم.

## فصل اول

در بیان واضح و کیفیت وضع. اما واضح, مشهور چنان است که دانیال پیغمبر بود و آنچه گویند این علم از معجزه اوست چنان است که او مدتی خلق را به حق دعوت میکرد و هیچکس بدو نمیگروید والتفات به سخن او نمیکرد. از آن شهر بیرون شده به شهر دیگر که اورا نمیشناختند رفت و تخته حاصل کرده ریگ سرخ بر آنجا ریخت و دردکانی بنشست و خطی چند بر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آنجا کشید و از احوال گذشته و آینده خبر میداد و جمله خبایا و دزدیده میگفت و آواز او به پادشاه آن اقلیم رسید و او را طلب نمود و بر سبیل امتحان چیزی چند از او پرسید، چنانچه واقع بود خبر داد، از او درخواست کرد تا ملازم او شود، دانیال او را با چهار کس از ملازمان ارشاد میکرد تا در این فن ماهر شدند. روزی دانیال به ایشان گفت رمل بزنید و بنگرید در این عصر کسی هست که پیغمبری را شاید یا نه. ایشان رمل زدند و گفتند هست... گفت اکنون حلیه او را بنویسید تا کدام است. ایشان صورت و شکل او بنوشتند و چون نگریستند همه صفت او بود. گفتند پیغمبر توئی و در حال به او بگریزند. و اما وضع او بر چهار عنصر است بر این وجه :: نقطه اول راناری خوانند و دوم را هوایی و سوم را آبی و چهارم را خاکی بر ترتیب وقوع عناصر و چون وضع از مفردات بود بعد از آن چون ترکیب کردند بر این مثال شد: آن را جماعت نام کردند و بعد از آن نقصان میکردند و میافزودند تا شانزده خانه که حاصل ضرب چهار در چهار است حاصل شد. پس هر شکل را که نقطه فرد بود اگر آن نقطه در اول باشد همچو لحيان آتشی خوانند و اگر در آخر همچو انکیس خاکی و اگر در وسط باشد اگر آب بود آبی و اگر بجای هوا بود هوایی. و اگر دو باشد همچو اجتماع ممتزج و قبض الداخل دو نقطه دارد: هوایی و خاکی. اما او را جهت آن خاکی خوانند که نقطه هوا میان آتش و آب است و او را از هیچ یاری نبود بخلاف خاک پس قوت نقطه خاکی چون بیشتر بود خاکی خوانند و علی هذا القیاس.

## فصل دوم

در معرفت رمل زدن. اول چهار خانه از خطوط بنهند هر خانه چهار خط و باید که نقطه های خطوط بشمرند و گفته اند باید که هر خطی کمتر از شش نقطه و بیشتر از دوازده نقطه نباشد، و بوقت رمل زدن از دست چپ آغاز کنند و از آنجا که آغاز کرده باشند دودو طرح کنند تا آنکه دو یا یکی بماند، پس از آنچه در آخر خطوط بماند از هر خطی خانه های بیرون آرند و آنچه اول زده باشند در اول بنهند از دست راست و خانه دیگر را بهمین ترتیب تا آخر، و از این چهار خانه چهار شکل دیگر را بیرون آرند چنانکه از اول هر شکلی از امهات یکی بردارند و خانه پنجم بیرون آرند. و از دوم هر یکی ششم و از سوم هر یکی هفتم و از چهارم هر یکی هشتم و بعد از آن از اول و دوم در زیر هر دو نهم بیرون آید چنانکه اول یکم و اول دوم را با هم جمع کنند فرد باشد فردی بنهند و اگر زوج باشد زوجی و همچنین تا آخر و از سوم و چهارم به همین ترتیب دهم بیرون آرند و از پنجم و ششم یازدهم و از هفتم و هشتم دوازدهم و بعد از آن از نهم و دهم سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم. پس از این شکل پانزدهم که میزان رمل است و از اول شانزدهم بیرون آرند و اگر یکی از این اشکال هشتگانه که لحيان است و انکیس و حمرة و بیاض و کوسج و نقیالخد و عتبه داخل و عتبه خارج در پانزدهم افتد رمل خطا بود و شرط این آن است که زوج از



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

دو فرد حاصل میشود و از زوج فرد حاصل نشود الا از زوج و فرد و چندان نقطه که در امهات باشد همچنان در نبات بود، پس آنچه از نبات حاصل آید مساوی آن باشد که از امهات حاصل شده باشد، پس ح سیزدهم که نتیجه نتایج امهات است و چهاردهم که نتیجه نباتات مساوی باشند. نقاط شکل پانزدهم فرد نتواند بود و هرگاه فرد باشد خطا بود اما هرگاه که زوج باشد لازم نیست که صواب باشد. و بیاید دانست که مجموع نقاط و اشکال شانزده گانه زیاده از نودوشش و کمتر از آن نتواند بود زیرا که اشکال کمتر از رباعی و زیاده از ثمانی چنانکه اشاره کرده شد نیستند و آنچه متوسط اند یا خماسی باشند یا سداسی یاسباعی و رباعی یک بیش نیست و آن طریق است و ثمانی نیز یک بیش نیست و آن جماعت است و خماسی چهارند: عتبه داخل و عتبه خارج و کوسج و نقیالخد، و سداسی شش اند: قبضالداخل و قبضالخارج و نصره داخل و نصره خارج و اجتماع و عقله، و سباعی چهار: لحيان وانکیس و حمره و بیاض و مجموع این اشکال شانزده است و شانزده رادر وسط اشکال که سداسی است ضرب کنند نودوشش حاصل شود و از اشکال رمل هر آنچه اول او فرد بود و آخر او زوج آن را خارج خوانند و آنچه اول او زوج باشد و آخر او فرد داخل و آنچه اول و آخر زوج باشد آن را ثابت خوانند.

### فصل سوم

در معرفت صور اشکال شانزده گانه.

### فصل چهارم

در معرفت صواب اشکال و سعادت و نحوست و دلالت هر یکی.

### فصل پنجم

در معرفت بروج.

### فصل ششم

در بیان شواهد و کیفیت حکم شواهد.

### فصل هفتم

در بیان استخراج ضمیر.

### فصل هشتم

در بیان آنکه هر شکلی را در هر یک از خانه ها چه حکم است. (از نفایس الفنون). و برای شرح هر یک از این فصول رجوع به نفایس الفنون شود.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

علم رمل از معجزات حضرت دانیال نبی علیه السلام است و نیز حضرت امیرالمومنین علیه السلام از این علم بهره مند بودند و این علم بر پایه اعداد و عناصر اربعه است و تا حدودی میتوان از آینده با خبر شد البته به توسط این علم . و بیشتر بر مبنای سیر خط و نقطه است رمل نیز مانند علوم دیگر شاخه های گوناگونی دارد ولی بهترین کارها نزد خداوند متعال انجام واجبات و ترک محرمات است که احسان به والدین از این جمله است

### علوم غریبه به پنج قسمت تقسیم میشود

**کیمیا:** از شناخت گیاهان و جمادات و معدنیات و فلزات و خواص آنها بهم میرسد که خدای تعالی چنان قرار داده که اگر قطره بر فلزی چکد انرا به فلز دیگر تبدیل میکند به تحقیق رسیده که (اکی) گیاهی است که در ریگستان پیدا میشود برگ ان به شکل برگ اک است ولی فرقی آن است که اک شاخها دارد اگر برگ یا شاخش را بشکنند شیری بیرون آید ولی اکی یکشاخست به قدر دو و جب از زمین بلند تر و به همان متصل است مثل برگهای اک و در شکستن شیر بیرون نیاید باید از بیخ کنده خشک کند سفوف باریک ساخته حفظ کند وقت لزوم یک طوله قلع گذاشته را به قدر یک ماشه از ان سفوف بر ان ریزد به عون خداوند نقره گردد

**لیمیا:** و ان علم طلسمات است که از کنوز اسرار به قلم آید و با ان دانسته میشود کیفیات تمزیج قوای فاعله عالیه به منفعله سافله تا از انجا حاصلی غریب بدست بیاید و در این باب کتاب زیاد استواز این قبیل میتوان به کتب طلسم اسکندرونقش سلیمانی و افاق و . . . اشاره نمود

**هیمیا:** ان علم تسخیرات باشد که از معرفت به احوال سیارات سبعة از حیث تصرف انها که فواعل علوی اند در قوایل سفلی اثر دارند و موضوع ان دعوات و خواتیم و بخورات انها و تسخیر روحانیات و عزائم جنیان و معرفت اقداح و منازل و افسونها و احراز است

**سیمیا:** و اساس ان خیالات باشد که مخیله فعالیت دارد و جز احداث مثالات خیالیه حاصلی نیآورد و وجود خارجی ندارد بلکه کلیات وجود ذهنی است و در اسلام حرام است و جایگاهی ندارد

**ریمیا:** و ان علم شعبده است که قوای جوهر ارضیه را با مزج به یکدیگر حاصل و اشکال تازه میدهد و کتاب بحرالعیون مشتهر به ابن حلاج مشتمل بر علم سیمیا و ریمیا است و حل المشکلات حاوی لیمیا و سرالمکتوم شامل هیمیا میباشد و کتابهای گوناگون نیز خلاصه ای از این پنج علم را دارد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly